

تاریخ ایران باستان

نویسنده: رضا کرمی

ناشر: فرنگ مانا

۱۳۹۵

سرشناسه: کرمی، رضا
عنوان و نام پدیدآور: تاریخ ایران باستان (روابط ایران و یونان در عصر هخامنشیان)، نویسنده: رضا کرمی
مشخصات نشر: سی سخت فرهنگ مانا، ۱۳۹۵
مشخصات ظاهری: ۲۱۲ ص
شابک: ۱۶۵۰۰۰ ریال - ۱-۱۹-۷۱۱۸-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
موضوع: ایران- تاریخ- هخامنشیان ۳۳۰-۵۵۸ ق.م
موضوع: ایران- روابط خارجی- یونان- تاریخ
موضوع: یونان- روابط خارجی- ایران- تاریخ
رده‌بندی کنگره: DSR ۲۴/۲۴۴ ۱۳۹۲
رده‌بندی دیویی: ۹۵۵/۰۱۴
شماره ثبت: ۳۱۹۲۱۷۵ ملی: ۱۳۹۲



فرهنگ‌مانا
FARHANG-e-MANA

تاریخ ایران باستان (روابط ایران و یونان در عصر هخامنشیان)

نویسنده: رضا کرمی

صفحه‌آرا: مینا صفری

طراح جلد: محمدرضا چشمه‌سار

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۵

لیتوگرافی: ماوراء

چاپ: شاد رنگ

شابک: ۱-۱۹-۷۱۱۸-۶۰۰-۹۷۸

قیمت: ۱۶۵۰۰۰ ریال

مرکز بخش: تهران، خیابان انقلاب، بین ویلا و حافظ، خیابان پورموسی، کوچه بامشاد، پلاک ۲، واحد ۱
کدپستی: ۱۵۹۹۶۱۷۷۱۱ تلفن: ۲۱-۸۸۹۴۸۸۲۰ دورنگار: ۸۸۹۳۲۶۵۲

فهرست مطالب

پیشگفتار..... ۷

بخش اول: آشنایی با ماه، خال و بررسی منابع و مأخذ

آشنایی با مورخان و بررسی منابع و مأخذ..... ۱۲

بخش دوم: دیپلماسی و سیاست خارجی پارسین امخامنشیان

دیپلماسی و سیاست خارجی پارسین..... ۳۸

بخش سوم: برخورد منافع ایران و یونان (از کورش اول تا اسکندر اول)

یونان و ساکنان آن..... ۵۰

یونانیان و ایرانیان..... ۵۳

بخش چهارم: روابط ایران و یونان در زمان داریوش دوم و اردشیر دوم

پادشاهی داریوش دوم..... ۶۶

داریوش دوم و یونانیان..... ۷۰

پادشاهی اردشیر دوم..... ۸۷

جنگ بر سر قدرت (نبرد کوناکسا)..... ۸۸

۹۹.....	پیامدهای نبرد کوناکسا.....
۱۰۷.....	صلح آنتالکیداس (آنتالکیداس).....

بخش پنجم: اردشیر سوم و یونانیان

۱۲۰.....	پادشاهی اردشیر سوم.....
۱۲۴.....	مقدونیه و ظهور فیلیپ.....
۱۲۹.....	اردشیر سوم و فیلیپ.....

بخش ششم: روابط ایران و یونان در زمان داریوش سوم

۱۳۶.....	پادشاهی داریوش سوم.....
۱۴۱.....	اسکندر و آرمایه های بزرگ.....
۱۴۹.....	جنگهای اسکندر و داریوش.....
۱۵۹.....	نبرد ایسوس.....
۱۷۱.....	تسخیر تخت جمشید پایتخت شکوهمند پارسیان.....
۱۸۱.....	مرگ داریوش سوم و سقوط دولت هخامنشی.....

۱۹۹.....	بایان سخن.....
----------	----------------

۲۰۳.....	فهرست منابع و مآخذ.....
----------	-------------------------

پیشگفتار

ایران زمین با داشتن تمدن دیرین و کهنسال از تابناکی و درخشش ویژه‌ای بر تارک تاریخ بشری برخوردار است. سرزمینی که در گستره خاک زرخیز آن با گذشت سالیان و نسل‌ها و با برآمدن و درآمدن قوم‌های بی‌شماری و مهاجر بسیار از صاحبان گمنام تمدن‌های جیرفت و سیلک و مارلیک تا صاحبان مدار کاخ‌های تخت‌جمشید و مدائن و از وارثان تمدن عظیم اسلامی که ایرانیان در سیر این بیشترین نقش را داشته‌اند، همین وقوع میان کنش‌ها و درآمیختگی‌های دیرپای انسانی و فرهنگی محصولی رشید و عظیم با نام فرهنگ و تمدن ایرانی به بارآورد ایرانی که همان ملی آن پارسی، جشن ملی‌اش نوروز و چکامه ملی آن شاهنامه است. از این میان روزهی هخامنشی سرآمد تاریخ باستان ایران است که برای مدت چند قرن در آسیا و بخشی از آفریقا و اروپا آقایی می‌نمود، از طرف دیگر قلمرو کشور عزیز ایران طی نزدیک سه هزار سال دگرگونی بسیار پیدا کرده است، قرن‌های طولانی جهت جریان تمدن دنیای شرقی - غربی بوده، ایران همواره محل برخورد تمدن‌های کهن بوده و سنگری مقاوم در برابر طوفان‌های تند حملات و هجوم‌ها و بخصوص به دلیل موقعیت جغرافیایی و استراتژیکی که همواره نقش یک راه ارتباطی، واسطه و پل میان شرق و غرب بوده است، تیره‌ای از آریایی‌های مهاجر به نام پارسی‌ها سلسله‌ای تأسیس کردند که نام پارسیان را برای همیشه جاویدان نمود، از مجموع اسناد و مدارک آشکار می‌شود که اجداد کوروش بزرگ نیز شاه خوانده می‌شدند. چنانچه سرسلسله‌ی هخامنشیان

چیش پیش (۷۴۰ تا ۶۷۵ ق. م) که پسر هخامنش بوده است، لقب شاه را داشته است، ولی آنچه مسلم است بنیانگذار واقعی این سلسله کوروش کبیر بود که در سال ۵۵۹ پیش از میلاد به سلطنت رسید، و با فتوحات خویش کشور پهناور ایران را وحدت بخشید و امپراطوری بزرگی تشکیل داد که تا سال ۳۳۰ از پ. م ادامه یافت کوروش بزرگ پس از غلبه بر مادها، نخست لیدی و سپس ماوراءالنهر و همچنین سرزمین بابل را تصرف کرد، پسرش کمبوجیه مصر و سرزمین‌های مجاور آن را تصرف کرد. داریوش حوزه‌های پنجاب و سند را در اختیار گرفت به این صورت تمام کشورها و قدرت‌های رمان به اطاعت شاهنشاه ایران درآمدند.

امپراتوری هخامنشی از شمال در شرق دریای خزر به رود سیحون و سرزمین سکاهای خاوی و ماساگت‌ها در سرزمین بین دریای خزر و دریای سیاه به سلسله کوه‌های قفقاز و سی‌میر - کاهای مرکزی و در شمال غربی به سرزمین سکاهای غربی در شمال ترانس و مقدونی از شرق به چین و دره‌ی سند از جنوب به دریای عمان (اریترئوم) و خلیج فارس (پرنوس) - پرسی کوس) صحرای عربستان و بخش جنوبی حبشه (اتیوپی) و بخش جنوبی صحراء لیبی، از باختر به دریای مدیترانه و شبه‌جزیره پلپونزی (هلاس یونان) و ایلیریا (ترانس مقدونیه) محدود می‌شد و بخشی از یونان و جزایر دریای اژه جزو امپراتوری هخامنشی بوده است.

چیزی که بیشتر موجب شگفتی است وسعت و پهناوری چنین پادشاهی نیست زیرا به گفته‌ی کوروش بزرگ «فتح کشوری آسان است ولی نگه‌داری آن مشکل» بلکه طرز اداره کردن این اقوام انبوه و مختلف ایجاد حسن تفاهم و توازن و نقطه اتکا است، میان مللی که قبل از پیدایش شاهنشاهی هخامنشی پیوسته در جنگ و ستیز بودند. حکومت هخامنشی، تحولات عمیق و بی‌سابقه‌ای در تمام شئون زندگی اجتماعی، اقتصادی، اداری و سیاسی و حتی مذهبی ایران پدید آورد و از نظر اخلاقی و معنوی برتری و تفوق ایرانیان را نسبت به ملل هم عصر به وضوح و به نحوی بارز و شایسته به ثبوت رسانید. مکارم اخلاقی که سلاطین هخامنشی به آن آراسته بودند یکی از بارزترین نشانه‌های تمدن ایرانیان به شمار می‌رفته و زبانزد خاص و عام و باعث شگفتی عالمیان و حتی دشمنان ایران بوده و معاصران را تحت‌الشعاع قرار می‌داده است، کوروش و داریوش اول به رسوم، عقاید و آیین‌های خاص ملل مغلوب احترام

می‌گذاشتند و این خصیصه عامل تازه‌ای بود که در روابط بین الملل دنیای بیست و پنج قرن پیش به وسیله این دو پادشاه وارد گردید، در دوره‌های پس از انقراض این شاهنشاهی چین تفوق اخلاقی نه در سایر ملل و نه حتی در بین ایرانیان نمودار نگشته و همین معنی است که این سلسله را سزاوار ستایش، کمال و تجلیل ساخته است، در واقع شاهنشاهی هخامنشی اولین حکومت آریایی است که اقوام مختلفی را که از نظر نژاد، آداب و رسوم، عقاید و مذاهب با یکدیگر تفاوت بسیار داشته‌اند زیر فرمانروایی یک شاهنشاه اداره کرد. پیدایش دولت هخامنشی در قرن ششم قبل از میلاد، پدیده‌ای شگفت‌انگیز در تاریخ روابط سیاسی و اجتماعی جوامع قدیم است، این دولت جایگزین امپراتوری عظیمی چون سومر - کلد - ایلام - اورارتو - آشور و دولت هم نژاد خود، ماد گردید و به سرعت توانست به عمر دولتهای باقی مانده در آسیای غربی و آفریقا (لیدی ۵۴۶، بابل ۵۳۹، مصر ۵۲۵) پایان داده و عظیم‌ترین امپراتوری جهان قدیم را با روش‌های جدید سیاسی و ابزارهای نوین، مدیریت نظامی و فرهنگی پدید آورده و تا دیر زمانی بر این پهنه دوام یافت و اما اثبات آن تا قرن‌ها باقی ماند.

این دوره از دوره‌های مهم و حیاتی درخشان تاریخ و فرهنگ ایرانیان به حساب می‌آید و دستاوردهای گرانبهایی برای ایران و ایران به جای گذاشت.

هخامنشیان توانستند زیربنای فرهنگی و اصالت و هویت مردم ایران را در این دوره شکل دهند و با گسترش آن نام خود و ایرانیان را در تاریخ جاودانه سازند.

تساهل و مدارای با فرهنگ، مذاهب و مقدسات ملل جدید به اساس کار شاهان هخامنشی به خصوص کوروش کبیر بنیانگذار این سلسله بود است و چنان است که مورخان مانند گزنفون آنها را الگو و سرمشق خود و دیگر ملتها سرار داده‌اند. آنها بر اساس داشته‌های فرهنگی و اخلاقی بخصوص اندیشه‌های دینی پیامبر ایران باستان زردشت دارای روحیه عدالت‌گستری و دوستی بودند. هخامنشیان از آغاز تا پایان حفظ امنیت امپراتوری، حفظ منافع سیاسی، استراتژیکی و اقتصادی و حتی جلوگیری از خطرات احتمالی آینده را سرلوحه کار خود قرار می‌دادند و سخت در حفظ آن کوشا بودند.

تنها در پهنه‌ی دنیای آن روز دولت شهرهای کوچک سرزمین یونان در برابر این شاهنشاهی عظیم که در تاریخ جهان تا آن زمان سابقه نداشت، جبهه گرفتند و کوروفری

کردند، مقاومت‌های یونانیان و به خصوص مردم دولت شهر آتن که منبعث از روح وطن‌پرستی و اتحاد و اتفاق آنان بود عملی شگفت‌انگیز به نظر رسید چون به علت بعد مسافت و عوامل جغرافیایی شاهان هخامنشی در سرکوب کامل ایشان توفیق نیافتند و عظمت حادثه فزون‌تر شد.

این پژوهش به مناسبات ایران و یونان در زمان هخامنشیان از آغاز تا سقوط دولت هخامنشی می‌پردازد. پژوهنده سعی کرده است با بهره‌گیری از نوشته‌های مورخین قدیم و پژوهش‌های جدید به عمل و چگونگی این مناسبات بپردازد در این راستا با ارزیابی و مقایسه دیدگاه‌های پژوهشگران و تاریخ‌نگاران سیمای روشن‌تر و مناسب‌تری را درباره‌ی این مناسبات و نتایج آن ارائه دهد.

تاریخ مناسبات دیپلماسی هخامنشیان بسیار وسیع و مفصل است ولی امیدوارم به یاری خداوند این پژوهش بتواند راهنما و انگیزه‌ای باشد برای علاقمندان و پژوهشگران تاریخ هخامنشی تا بتواند با شناخت دقیق‌تر از تاریخ هخامنشیان بویژه برخورد منافع آنها با یونانیان، گامی به جلو بردارد و تحلیل و ارزیابی مفیدتری را به دیگران ارائه دهند.

در این پژوهش مناسبات ایران و یونان در دوران پادشاهی کوروش کبیر تا سقوط دولت هخامنشی بصورت مفصل آمده است. در تحلیل این بحث‌ها، به دیپلماسی کلی دولت هخامنشی، رابطه فرهنگی و علمی یونان و ایران نیز اشاره شده است. علاوه بر آن منابع و مآخذ تاریخ هخامنشی نیز مورد بررسی قرار گرفته است.